

نگرش ایرانیان نسبت به غرب: بررسی تجربی در ایران

تقی آزاد ارمکی

دانشیار دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران

چکیده

رابطه ایران و غرب در این مقاله که براساس روش پیمایشی (حجم نمونه ۱۲۰۰ در سطح ایران) انجام شده با تأکید بر دیدگاه تحلیل روانی اجتماعی اریک فروم و کنش متقابل نمادی بلومر مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج تحقیق حکایت از وجود نگرش منفی مردم ایران در کل نسبت به غرب دارد، زیرا شکل‌گیری رابطه غرب با ایران بیشتر در عرصه‌های اقتصادی و سیاسی مبتنی بر سودجویی، سلطه و دشمنی بوده است. به میزانی که افراد از این عرصه‌ها به دور بوده و یا نسبت به آنها حساسیت کمتری داشته‌اند، نگرش مثبت‌تری به غرب نشان داده‌اند.

واژگان کلیدی: ایران، غرب، تحلیل اجتماعی، نگرش، کنش اجتماعی، کنش متقابل اجتماعی، رابطه بین فرهنگی، سرمایه‌داری.

مقدمه

مسئله اصلی و محوری در این مقاله نشان دادن نوع نگرش نسبت به رابطه‌ای است که بین مردم ایران و جهان غرب وجود دارد. این موضوع از زمانی به طور جدی مورد توجه قرار گرفته که بحث تقابل و یا تفاهم بین فرهنگها، ملتها و تمدنها در اندیشه سیاسی اجتماعی دوران معاصر جدی تر شده است (خاتمی ۱۳۷۷، ص ۱۷). به نظر می‌آید، قبول یا عدم قبول نوع رابطه بین فرهنگها و تمدنها (تقابل یا تفاهم) ریشه در نوع نگرش در سطح خرد - به عنوان افراد و کنشگران - و در سطح کلان - به عنوان سازمانها و نهادهای اجتماعی - نسبت به یکدیگر دارد. در صورتی که کنشگران در دو حوزه فرهنگی و سیاسی متفاوت، فهم درک و رابطه گویا و روشنی نسبت به هم داشته باشند، میل به ارتباط بر اساس تفاهم وجود دارد و در صورتی که نگرشها منفی و مبهم، معارض و توأم با آشفتگی باشد، ارتباط بر اساس نزاحم و تخالف خواهد بود. در مقاله حاضر برای فهم نوع رابطه فرهنگی (تقابل و یا تفاهم) شناخت نوع نگرش مردم نسبت به یکدیگر بر اساس زمینه‌های روانی - اجتماعی در چارچوب نظریه تحلیل روانی اجتماعی مورد بررسی قرار گرفته است. این مقاله نشان دهنده نوع نگرش ایرانیان نسبت به غرب است و مطالعه دیگری نیز می‌تواند نوع نگرش غربی‌ها را به ایران نشان دهد.

طرح مسأله

پیش فرض اصلی مؤلف در این مقاله قبول تفاوتها در عرصه بین‌المللی به عنوان ضرورت اجتماعی و فرهنگی است. با ورود به دوره مدرن، ارتباط در عرصه‌های متعدد اجتناب‌ناپذیر شده است. در بعضی از سطوح این ارتباط مستقیم و آگاهانه، و در برخی سطوح دیگر، ارتباط غیر مستقیم و ناآگاهانه شکل گرفته است (بشیریه ۱۳۷۶، صص ۱۲-۱۱).

آنچه به عنوان مسأله تجلی می‌نماید، نوع و میزان ارتباط بین فرهنگی (فرهنگ ایرانی و فرهنگ غرب به عنوان دو سطح و بخش ارتباط فرهنگی در عرصه بین‌المللی) است. به عبارت دیگر، مسأله‌ای که تا حدود بسیاری زمینه شکل‌گیری پدیده‌های اجتماعی و فرهنگی ملی و بین‌المللی نیز می‌باشد، نوع ارتباط بین فرهنگها در عالم واقع است که بدین صورت قابل طرح است: "آیا ارتباط مبتنی بر تفاهم بین فرهنگ ایرانی و غیر آن وجود دارد؟ یا اینکه ارتباط یک

سویه، و یا دوسویه با تعارض و عدم تفاهم کامل وجود دارد؟"

چارچوب نظری

برای فهم وضعیت نوع نگرش موجود بین افراد در دو فرهنگ و جامعه، دیدگاههای متعددی در جامعه‌شناسی وجود دارد که می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد. در این تحقیق تأکید بر دیدگاه تفهم تفسیری است که ریشه در افکار ماکس وبر دارد، و در دوران جدید جامعه‌شناسی در قالب نظریه کنش متقابل نمادی^۱ ارائه می‌شود. در این دیدگاه اساس در نقش موقعیت و فهم از آن در کنش متقابل بین کنشگران است. اساس تفسیر کنش متقابل در فهم و درک مشترک از موقعیت کنشگران و کنش اجتماعی است. در صورتی که کنشگران در فرایند کنش متقابل بتوانند در جریان معنی‌سازی مشارکت نمایند و درک درستی از تفسیرهای یکدیگر نسبت به موقعیت و کنش اجتماعی متفاوت ارائه دهند، عکس‌العمل‌های هم‌جهت و تکمیلی و یا به عبارت دیگر کنش متقابل نسبت به یکدیگر خواهند داشت. در این صورت به میزانی که درک دو طرف از یکدیگر دارای شفافیت بیشتری باشد، امکان ارتباط و کنش بیشتری بین آنها وجود خواهد داشت. این نوع رو در رویی موجب پیدایش موقعیتی جدید می‌شود. موقعیت، خود زمینه استمرار کنش متقابل و پیوستگی عمل اجتماعی خواهد شد. در این صورت وجود کنش اجتماعی پیشین برای دستیابی به درک یکدیگر، بستر کنش مشترک، معانی و سمبل‌ها، تصور و درک و تفسیر از همه امور تعیین‌کننده کنش متقابل اجتماعی خواهد شد (آزاد ارمکی ۱۳۷۵، ص ۲۶۹).

موقعیت با قبول دو طرف کنش، مردم ایران به عنوان کنشگر اول و مردم غرب به عنوان کنشگر دوم و چگونگی پیدایش و توسعه کنش مورد توجه قرار می‌گیرد. این صورت دو مفهوم اصلی عبارتند از: ۱. تلقی مردم ایران و ۲. غرب. فرض اصلی در این تحقیق این است که ایران و غرب در جریان مشارکت اجتماعی - سیاسی واقعی در عرصه تعامل بین فرهنگی بین‌المللی حضور داشته‌اند و هیچ کدام در حالت انزوا به سر نمی‌برند. زیرا در دوران معاصر با گسترش روابط سرمایه داری بازار و سلطه حوزه‌های فرهنگی و علمی و گسترش شبکه‌های ارتباطی فرض انزوا بی معنی است. حتی اگر کشوری قصد دور کردن افراد یا عناصری از جامعه‌ای را از

صحنه بین‌المللی داشته باشد، دچار شکست و ناکامی می‌گردد. همه کشورها در عرصه بین‌المللی خواسته و ناخواسته حضور دارند. ولی سهم همه آنها در این حضور یکسان نیست، زیرا نزدیکی و یا دوری از بازار بین‌المللی، و نحوه مشارکت، عوامل عمده در میزان مشارکت است. در آغاز تصویری از دیگری ارائه می‌نمایند و سپس تصویری از درک دیگری نسبت به خود دارند که نحوه تفسیر این دو نوع و درک زمینه‌های اساسی، کنش متقابل را فراهم کرده است.

نظریه کنش متقابل نمادین امکان شناسایی تصور دو طرف از یکدیگر و درک تصور دیگری از خود و سپس نحوه تفسیر از تصورات را ارائه می‌کند. در این صورت است که می‌توان توانایی درک نظریه رابطه بین مردم ایران و جهان غرب را پیدا کرد (ریترز ۱۳۷۴، ص ۲۸۶).

بیش فرض اصلی نظریه کنش متقابل در بررسی ماهیت کنش متقابل، وجود تصوّرهای هم‌جهت و یا همسو و معطوف به یکدیگر است. بهتر است از تعبیر ماکس وبر استمداد کنیم: "مقصود از «کنش» آن رفتار انسانی است که دارای معانی ذهنی خاصی باشد. چنین کنشی یا برونی است و یا کاملاً درونی. کنش ممکن است شرکت فعال در موقعیتی بخصوص، یا اغراض عمدی از چنین مشارکتی و یا پذیرش منفعلانه آن باشد. منتهی، زمانی یک کنش اجتماعی است که شخص عامل رفتار دیگران را نیز در معانی ذهنی منظور کند و رفتار خویش را با توجه به آن جهت دهد" (وبر ۱۳۷۴، ص ۳). بر اساس نظریه کنش متقابل اجتماعی ارائه تفسیری از طرز تلقی دو طرف از یکدیگر ضروری است.

برای بررسی طرز تلقی مردم ایران و غرب نسبت به یکدیگر به نظر می‌آید امکان استفاده از دیدگاه اریک فروم، تحت عنوان تحلیل روانی - اجتماعی، وجود دارد (فروم ۱۳۷۰، صص ۳۷-۳۵)، زیرا فروم در کتاب "آیا انسان پیروز خواهد شد؟" در بررسی رابطه بین مردم آمریکا و شوروی سابق قبل از هر چیز، به بیان کلیشه‌هایی که ریشه در تفکر ناسالم از قبیل تفکر پارانویید، فراقکنی و تعصب دارد اشاره کرده است. مثال او در این زمینه این است که آمریکاییها فکر می‌کنند مردم شوروی بی‌دین‌اند، و شوروی‌ها فکر می‌کردند آمریکاییها مردمانی فاسدند، و... در مرحله دوم، فروم به بیان علی شکل‌گیری کلیشه‌ها پرداخته است. او مدعی است، دوری کشورها از یکدیگر و موانع ارتباطی و فقدان فهم مشترک از یکدیگر زمینه جدایی و حتی تقابل شده است. بر این اساس، و با قبول اینکه بین مردم ایران و به طور خاص آمریکا، مجموعه‌ای از کلیشه‌ها و تصورات قالبی وجود ندارد، شواهد نشان دهنده تمایز بین فهم عمومی از غرب در مقایسه با فهم سیاستمداران از یکدیگر است. فهم مردم ایران و غرب از یکدیگر نسبت به فهم سیاستمداران از مردم در غرب و ایران واقعی‌تر و شفافتر است. در این صورت تصورات قالبی و

تغصب کلیدهای فهم تعامل در این عرصه نیست؛ بلکه شرایط خاص سیاسی و اقتصادی در گذر زمان موجب اختلال و یا عدم ارتباط بین فرهنگی گردیده‌اند. در این صورت است که می‌توان به بررسی تجربی موانع درک از یکدیگر پرداخت.

در مقایسه دو دیدگاه کنش متقابل نمادی و تحلیل روانی اجتماعی اریک فروم بیشتر تأکید بر اندیشه جامعه‌شناختی کنش متقابل است، زیرا تأکید اصلی این نظریه ضمن توجه به موانع روند به ساخت تعاملات اجتماعی نیز می‌باشد در صورتی که فروم از زمینه‌های روانی تعامل تحلیل اجتماعی ارائه می‌دهد.

آزمون تجربی

بر اساس مسأله و چارچوب نظری تحقیق، سؤالهای زیر مورد نظر است:

۱. چه تصویری از غرب در میان مردم ایران وجود دارد؟
۲. چه درکی از تصور غرب نسبت به ایران وجود دارد؟
۳. سطوح تصور رابطه ایران با غرب چیست؟
۴. عوامل مؤثر در نگرش کدام‌اند؟ و کدام یک سهم بیشتری دارند؟

سیمای جامعه نمونه

برای پاسخ به سؤالهای فوق، مطالعه‌ای در ایران* انجام شده‌است که در ادامه مقاله به بیان سیمای جامعه نمونه و سپس به تجزیه و تحلیل اطلاعات می‌پردازیم.

۱. جنس

از مجموع ۱۲۰۰ نفر پاسخگو ۷۲۹ نفر مرد و ۴۷۱ نفر زن هستند. به عبارت دیگر ۶۰/۸ درصد جامعه نمونه را مردان و ۳۹/۲ درصد را زنان تشکیل می‌دهند (جدول ۱).

* مقاله حاضر از تحقیق انجام شده در سال ۱۳۷۶ با حجم نمونه ۱۲۰۰ نفر در کل ایران استخراج شده‌است. این تحقیق بخش اول طرح تصویب

شورای پژوهش کشور تحت عنوان آینده نگری است که مؤلف مقاله در حال انجام آن است.

جدول ۱. توزیع در صد فراوانی سؤاها بر حسب جنس

جنس	فراوانی	درصد
مرد	۷۲۹	۶۰/۸
زن	۴۷۱	۳۹/۲
کل	۱۲۰۰	۱۰۰/۰

۲. سن

افراد نمونه در گروههای سنی ده ساله دسته‌بندی شده‌اند. بر اساس جدول شماره ۲ ملاحظه می‌شود که گروه سنی ۱۵-۲۴ ساله ۴۱/۲ درصد جامعه نمونه را تشکیل می‌دهند و ۲۶/۸ درصد نیز در گروه سنی ۲۵-۳۴ سال قرار دارند، یعنی بیش از نیمی از پاسخگویان (۶۸ درصد) در سنین ۱۵-۳۴ سال هستند. از این رو نگرشهای به دست آمده در این نگرش‌سنجی بیشتر متعلق به گروه سنی جوان جامعه آماری است. این نسبت با توجه به جوان بودن ساخت سنی و جنسی جمعیت ایران تا حدی مناسبت دارد.

چنانچه توزیع نمونه را بر حسب سن و به تفکیک جنس بررسی نماییم، ملاحظه می‌کنیم که نسبت درصد مردان در گروههای سنی ۶۴-۵۵ و ۶۵ سال به بالا بیشتر از همان نسبتها در میان زنان است. در حالی که در گروههای سنی ۲۴-۱۵ و ۴۴-۳۵ در مقایسه با مردان، زنان از نسبت درصد بالاتری برخوردارند.

جدول ۲. توزیع درصد نمونه برحسب سن به تفکیک جنس

گروه سنی	مرد	زن	کل
۱۵-۲۴	۳۹/۶	۴۳/۷	۴۱/۲
۲۵-۳۴	۲۸/۰	۲۴/۸	۲۶/۸
۳۵-۴۴	۱۴/۳	۱۷/۳	۱۵/۵
۴۵-۵۴	۸/۷	۸/۸	۸/۷
۵۵-۶۴	۵/۹	۳/۹	۵/۰
۶۵ سال به بالا	۳/۵	۱/۵	۲/۸
کل	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰

۳. تحصیلات

با توجه به ساخت سنی جوان جامعه نمونه، ۹۶/۳ درصد افراد نمونه باسواد هستند (جدول ۳) و تنها ۳/۷ درصد بی سوادند. ۳۰/۲ درصد جامعه نمونه دارای تحصیلات دیپلم متوسطه، ۲۷/۶ درصد تحصیلات در سطح عالی، ۱۷/۵ درصد نیز در سطح متوسطه و ۲۱ درصد ابتدایی و راهنمایی هستند.

با توجه به جدول ۳ ملاحظه می شود که در میان مردان نسبت تحصیل کرده ها در سطح عالی بیشتر است (۳۱/۶ درصد) و در میان زنان نسبت بی سوادها از کل جمعیت زنان بیشتر است (۴/۵ درصد).

توزیع تحصیلات به تفکیک گروههای سنی نشان می دهد، بیشتر افرادی که تحصیلات عالی، دیپلم و متوسطه دارند، در این نگرش سنجی، جوان و باسوادند.

جدول ۳. توزیع درصد نمونه برحسب سن به تفکیک جنس

سطح تحصیلات	مرد	زن	کل
بی سواد	۳/۲	۴/۵	۳/۷
ابتدایی	۹/۰	۱۴/۱	۱۱/۰
راهنمایی	۱۰/۶	۹/۲	۱۰/۰
متوسطه	۱۶/۵	۱۹/۲	۱۷/۵
دیپلم	۲۹/۱	۳۱/۶	۳۰/۲
عالی	۳۱/۶	۲۱/۴	۲۷/۶
کل	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰

۴. وضعیت اشتغال

در توزیع جامعه نمونه برحسب وضعیت اشتغال در جدول ۴ ملاحظه می شود که ۲۲/۴ درصد کل جامعه نمونه کارمند، ۲۰/۴ درصد خانه دار (همگی زن)، ۱۹ درصد دانشجو، ۸/۱ درصد کارگر و ۱۶/۷ درصد جامعه نمونه نیز بیکار هستند. تقاطع وضع اشتغال با سن نشان می دهد که ۷۳/۵ درصد بیکاران جامعه نمونه در گروه سنی ۲۴-۱۵ سال قرار دارند که تنها ۸/۱ درصد این بیکاران بی سواد و بقیه دارای سواد هستند.

با توجه به یافته های جدول ۴؛ ۴۴/۱ درصد جامعه نمونه شاغل (کارگر، کارمند، کاسب، مشاغل مذهبی)، ۵۵/۹ درصد مابقی بیکار هستند.

جدول ۴. توزیع درصد نمونه برحسب وضع اشتغال به تفکیک جنس

سطح تحصیلات	مرد	زن	کل
کارگر	۱۲/۳	۱/۵	۸/۱
کارمند	۲۶/۶	۱۶/۱	۲۲/۴
کاسب	۱۸/۹	۰/۰	۱۱/۹
دانشجو	۲۱/۰	۱۶/۹	۱۹/۰
خانه دار	۰/۰	۵۰/۳	۲۰/۴
بیکار	۱۸/۹	۱۴/۶	۱۶/۷
مشاغل مذهبی	۲/۳	۰/۶	۱/۷
کل	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰

۵. وضعیت تأهل

بر اساس جدول ۵، ۵۵/۲ درصد کل جامعه نمونه متأهل و ۴۴/۸ درصد مابقی مجرد هستند. جالب توجه است که نسبت درصد متأهلان در میان زنان بیشتر از مردان است. به طوری که از کل زنان نمونه ۶۰/۵ درصد متأهل ولی از میان کل مردان نمونه ۵۱/۹ درصد متأهل هستند.

جدول ۵. توزیع درصد نمونه برحسب تأهل به تفکیک جنس

وضعیت تأهل	مرد	زن	کل
متأهل	۵۱/۹	۶۰/۵	۵۵/۲
مجرد	۴۸/۱	۳۹/۵	۴۴/۸
کل	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰

۶. محل سکونت

اطلاعات این نظرسنجی از نقاط شهری و روستایی ۱۲ مرکز استان* جمع آوری شده است. در مجموع ۲۸/۱ درصد (۳۳۷) از افراد جامعه آماری در روستا سکونت دارند و ۷۱/۹ درصد (۸۶۳) مابقی ساکن در نقاط شهری هستند.

۷. بعد خانواده

میانگین بعد خانواده در جامعه نمونه بر اساس سرشماری سال ۱۳۷۵ مرکز آمار ایران ۵/۳ نفر است. یعنی به طور متوسط در هر خانواده ۵/۳ نفر زندگی می‌کنند. در جدول ۶ نیز ملاحظه می‌شود که بعد خانواده در ۳۴/۷ درصد خانواده‌های افراد نمونه بین ۵ تا ۶ نفر است. خانواده‌های بسیار پرجمعیت (۷ نفر و بالاتر) بیشتر از خانواده‌های بسیار کم جمعیت (۲ نفر و کمتر) است.

جدول ۶. توزیع درصد جامعه نمونه برحسب بعد خانواده (نفر)

درصد انباشته‌ای	درصد مطلق	بعد خانواده (نفر)
۷/۵	۷/۵	۱-۲ نفر
۴۰/۱	۳۲/۶	۳-۴ نفر
۷۴/۸	۳۴/۷	۵-۶ نفر
۱۰۰/۰	۲۵/۲	۷ نفر و بیشتر
-	۱۰۰/۰	کل

جدول ۷. توزیع درصد جامعه نمونه برحسب بعد خانواده به تفکیک منطقه سکونت

کل	روستایی	شهری	منطقه سکونت
			بعد خانواده
۷/۵	۹/۳	۶/۸	۱-۲ نفر
۳۲/۶	۲۶/۵	۳۴/۹	۳-۴ نفر
۳۴/۷	۲۸/۴	۳۷/۲	۵-۶ نفر
۲۵/۲	۳۵/۸	۲۱/۱	۷ نفر و بیشتر
-	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	کل

جدول فوق نشان می‌دهد که ساکنان مناطق شهری دارای بعد خانواده کوچکتر نسبت به ساکنان نقاط روستایی هستند.

تجزیه و تحلیل اطلاعات

الف: نوع نگرش مردم به رابطه غرب و ایران

یکی از عناصر تشکیل دهنده نگرش^۱ و ذهنیت فرد به شخصی، گروهی و یا کشوری، نوع سابقه ارتباطات گذشته وی با آن است (ساروخانی ۱۳۷۵، ص ۱۷). تجربه‌های گذشته نقش بسزایی در تعیین نوع نگرش دارد. کشورهای اروپایی از دیرباز با ایران روابط گسترده تجاری، فرهنگی، سیاسی داشته‌اند، این رابطه به دوران صفویه و قاجاریه برمی‌گردد. کشورهای چون ایتالیا، آلمان، فرانسه، انگلیس، اسپانیا، پرتغال و روسیه از عمده‌ترین کشورهای اروپایی طرف قراردادهای تجاری، فرهنگی و سیاسی با ایران از گذشته بوده‌اند. اما ارتباط تجاری، فرهنگی،

سیاسی ایران با بعضی کشورها از قبیل آمریکا، کانادا و فنلاند به دهه‌های اخیرتر برمی‌گردد و نسبت به اروپا از قدمت چندانی برخوردار نیست. ذهنیت و نوع نگرش مردم ایران به کشورهای اروپایی و آمریکا، که تحت عنوان کشورهای غربی یا غرب شناخته می‌شوند، بیشتر براساس نوع و کیفیت روابط ایران با آنها و به عکس بوده است که در این بررسی به سهم این متغیر توجهی نشده است.

رابطه بین ایران و غرب (بویژه آمریکا) بر اساس روابط اقتصادی سودجویانه و نابرابر در بسیاری از مقاطع زمانی باعث نگرش منفی‌تر مردم ایران در قالب اعتراضها و حرکت‌های سیاسی اجتماعی شده است. بنابراین از عمده‌ترین اعتراضها و حرکت‌های جمعی ایرانیان بر علیه غرب در طول صد ساله اخیر می‌توان به انقلاب مشروطه، نهضت ملی، ۱۵ خرداد و انقلاب اسلامی ایران اشاره نمود.

نگرش به غرب براساس رابطه کشورهای غربی با ایران، با توجه به میزان تحصیلات، سن، منطقه سکونت و سایر ویژگیهای فردی و خانوادگی تا اندازه‌ای تفاوت می‌کند. زیرا افراد با ویژگیهای متفاوت و تجربه‌گوناگونی که غرب دارند، نگرش آنها در طیفی قرار گرفته که یک سر آن نگاه کاملاً منفی و سردیگر آن نگاه مثبت است.

برای سنجش نگرش مردم به رابطه غرب با ایران به دو جنبه خاص ارتباطی غرب و ایران از قبیل ارتباط اقتصادی و سیاسی به جای سابقه تاریخی آنها تأکید شده است. برای سنجش نگرش به غرب در این بررسی از چهارگویه، که بر اساس طیف لیکرت تهیه شده، استفاده و از پاسخگویان خواسته شده است تا میزان موافقت یا مخالفت خود را با هر یک اعلام کنند. در زیر به ترتیب پاسخهای مردم را در مورد هر یک از گویه‌ها بررسی می‌کنیم:

۱. "کشورهای غربی فقط به دنبال سودجویی از ما (ایران) هستند"

در جدول ۸ نظرهای پاسخگویان در مورد گویه فوق با در نظر گرفتن نظرهای کاملاً مخالف تا کاملاً موافق آمده است. با توجه به جواب موافق (جمع نظرهای کاملاً موافق و تاحدی موافق) ملاحظه می‌شود که ۷۳/۷ درصد پاسخگویان معتقدند کشورهای غربی فقط به دنبال سودجویی از ایران هستند؛ در حالی که تنها ۲۰/۵ درصد پاسخگویان (کاملاً مخالف و تاحدی مخالف) اعتقاد ندارند که رابطه غرب با ایران مبتنی بر مقاصد سودجویانه است. باید توجه داشت که از میان کل موافقان فقط ۳/۴۴ درصد کاملاً موافق و از میان کل مخالفان فقط ۹/۱۱ درصد تا اندازه‌ای مخالف‌اند. از این رو نگرش مردم به سالم بودن رابطه غرب با ایران بیشتر بدبینانه و

منفی است.

جدول ۸. توزیع درصد نظرهای پاسخگویان درباره "سودجویانه بودن رابطه غرب با ایران"

درصد گروهی	درصد مطلق	نظرهای پاسخگویان	
-	۸/۶	مخالف	کاملاً مخالف
۲۰/۵	۱۱/۹		تاحدی مخالف
۵/۸	۵/۸	بی نظر	
-	۲۹/۴	موافق	تاحدی موافق
۷۳/۷	۴۴/۳		کاملاً موافق
۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	کل	

گویه بالا سودجویی غرب از ایران در رابطه سیاسی و اقتصادی را به طور کلی می‌سنجد و در گویه دوم به طور مشخص سودجویی اقتصادی غرب از ایران مورد سنجش قرار گرفته است.

۲. "غرب (کشورهای غربی) فقط نفت ما (ایران) را دوست دارد"

با توجه به اینکه سهم بیشتر ارتباطات اقتصادی ایران با کشورهای غربی در سده اخیر بر اساس فروش نفت بوده است (همتی ۱۳۷۵، ص ۲۵)، بررسی این مسأله که آیا مردم همچنان معتقدند یا مخالفاند که رابطه غرب با ایران بر اساس نفت می‌باشد، می‌تواند توضیح دهنده بخشی از نگرش مردم به غرب باشد. زیرا توجه کشورهای غربی به کشورهایی چون ایران که دارای منابع غنی نفتی هستند قابل توجه است. نوع نگرش مردم ایران به غرب نیز تا اندازه قابل ملاحظه‌ای تحت تأثیر رابطه نفتی ایران با غرب شکل گرفته است. پاسخگویان درباره این گویه نظرهای متفاوتی داده‌اند، به طوری که ۲۹/۳ درصد پاسخگویان با این نظر که "غرب فقط نفت ایران را دوست دارد" مخالفاند و ۶۱/۹ درصد موافق. ۸/۸ درصد پاسخگویان نیز درباره این گویه اظهار نظر نکرده‌اند (جدول ۹).

به لحاظ رابطه اقتصادی - نفتی نیز مردم ایران رابطه غرب با ایران را نیز سودجویانه

می‌دانند و نسبت به غرب بدبین هستند.

جدول ۹. توزیع درصد نظرهای پاسخگویان دربارهٔ این گویه که "غرب (کشورهای غربی) فقط نفت ما را دوست دارد".

درصد گروهی	درصد مطلق	نظرهای پاسخگویان	
	۱۱/۶	مخالف	کاملاً مخالف
۲۹/۳	۱۷/۷		تاحدی مخالف
۸/۸	۸/۸	بی نظر	
	۲۸/۱	موافق	تاحدی موافق
۶۰/۹	۳۳/۸		کاملاً موافق
۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	کل	

در فرهنگ ایران اغلب مفهوم جامعهٔ سرمایه داری عنوان نظام سیاسی - اقتصادی است که در کشورهای بلوک غرب (بخصوص آمریکا) استقرار یافته است و کمتر از آن برای کشورهای منطقه و یا سوسیالیستی به کار برده می‌شود (آشوری ۱۳۷۶، صص ۷-۵)، از این رو وقتی واژه سرمایه داری به کار می‌رود به سرعت به اذهان مردم عامی فرد یا نظامی که شبیه فرد غربی یا نظام غربی است، خطوری می‌کند. ما نیز از این مفهوم برای سنجش نگرش مردم به غرب استفاده کردیم. از پاسخگویان خواسته شد نظر خود را دربارهٔ گویهٔ زیر ابراز کنند.

۳. "آخر و عاقبت سرمایه داری به جنایت ختم می‌شود"

براساس اطلاعات به دست آمده ۴۹/۳ درصد پاسخگویان معتقدند که آخر و عاقبت سرمایه داری به جنایت ختم می‌شود و ۳۴ درصد پاسخگویان با این نظر مخالفاند و عقیده دارند که سرمایه داری در نهایت به جنایت ختم نمی‌شود و ۳۴ درصد پاسخگویان دربارهٔ این گویه اظهار نظر نکرده‌اند.

یافته‌ها نشان می‌دهد که اکثر مخالفان این گویه افراد گروه سنی ۳۴-۱۵ سال‌اند که دارای

تحصیلات عالی، و به لحاظ سکونتگاه، ساکن مناطق شهری هستند.

۴. "آمریکا شیطان بزرگ است"

بعد از انقلاب اسلامی ایران، آمریکا به عنوان نماد فساد و توطئه و هر آنچه صفات شیطان است، به شعارهای سیاسی مردم ایران راه یافته، به طوری که شعار «آمریکا شیطان بزرگ است» که در آغاز رهبر انقلاب (ره) مطرح کرد، جزء شعارهای اصلی مردم ایران شده است. می توان میزان اعتقاد به این شعار را به عنوان معرفی برای سنجش نوع نگرش مردم به غرب استفاده کرد. از این رو از مردم خواسته شد تا نظر خود را درباره این شعار بیان کنند.

اطلاعات نشان می دهد که در کل ۸۰/۵ درصد مردم موافقاند که "آمریکا شیطان بزرگ است". ۱۲/۳ درصد پاسخگویان مخالفاند که "آمریکا شیطان بزرگ است" و تنها ۷/۲ درصد بی نظرنند.

یافته ها همچنین نشان می دهد که گروه مخالفان اکثراً مرد، شاغل به تحصیل در سطوح تحصیلات عالی و ساکن مناطق شهری هستند. که البته این یافته نشان دهنده رابطه بین تحصیلات و میزان مشارکت در فعالیتهای اجتماعی و سیاسی با نگرش آنهاست.

جدول ۱۰. توزیع درصد نظره‌های پاسخگویان درباره شعار "آمریکا شیطان بزرگ است"

درصد گروهی	درصد مطلق	نظره‌های پاسخگویان	
-	۶/۳	مخالف	کاملاً مخالف
۱۲/۳	۶/۰		تاحدی مخالف
۷/۲	۷/۲	بی نظرنند	
-	۱۷/۰	موافق	تاحدی موافق
۸۰/۵	۶۳/۵		کاملاً موافق
۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	کل	

ب. تجزیه و تحلیل گویه‌ها

چهارگویه فوق نشان می‌دهند که نوع نگرش کلی پاسخگویان به غرب (کشورهای غربی) در میان مردم ایران بیشتر منفی و بدبینانه است. برای سنجش این نگرش کلی به غرب مجموع نمره‌های استفاده شده و نمره‌های به دست آمده پاسخگویان از هر چهارگویه با هم جمع زده شده و یک مقیاس نگرش به غرب به دست آمده است. مقدار این مقیاس بین حداقل نمره ۴ و حداکثر نمره ۲۰ خواهد بود؛ هر چند مقدار نمره بیشتر باشد نوع نگرش فرد به غرب بدبینانه‌تر (منفی‌تر) است.

میانگین نمره مقیاس نگرش نسبت به غرب برابر $14/9$ و میانۀ آن ۱۵ است. یعنی ۵۰ درصد جامعه آماری (پاسخگویان) دارای نمره نگرش به غرب بالای ۱۵ است. به عبارت دیگر بیشتر جامعه آماری دارای نگرش منفی و بدبینانه به غرب هستند.

پرسشی که در اینجا مطرح می‌شود این است که این مقیاس تا چه اندازه می‌تواند نگرش واقعی مردم به غرب را بسنجد. به عبارت علمی‌تر روایی^۱ این مقیاس برای سنجش مفهوم نگرش به غرب تا چه حد است.

نتایج تحلیل عامل انجام گرفته بر روی این چهارگویه نشان می‌دهد که $47/8$ درصد تغییرات (واریانس) در نگرش مردم به غرب یا این مقیاس (چهارگویه) سنجیده می‌شود و مابقی تغییرات این نگرش با معرفهای دیگر سنجیده می‌شود که در این بررسی نیامده است.

ج. تعیین نگرش براساس ویژگیهای جمعیتی

برای شناخت بیشتر پاسخگویان با نگرش منفی و مثبت نسبت به غرب، نگرش افراد را با توجه به ویژگیهای جمعیتی آنها تحلیل و ارزیابی می‌کنیم.

۱. نگرش به غرب به تفکیک جنس

یافته‌های بررسی نشان می‌دهد که میانگین نمره نگرش به غرب در میان مردان و زنان به ترتیب برابر $14/62$ و $15/30$ است. یعنی زنان به غرب نگرش منفی‌تری دارند تا مردان. این تفاوت در نگرش مردان و زنان با سطح اعتماد $99/9$ درصد معنی دار است.

۲. نگرش به غرب به تفکیک گروههای سنی

یافته‌های جدول ۱۱ نشان می‌دهد که هر چه سن پاسخگویان بیشتر می‌شود نسبت به غرب نگرش منفی‌تری دارند، به عبارت دیگر افراد در سنین جوانتر دارای نگرش مثبت‌تری نسبت به افراد در گروههای سنی بالاتر هستند. ملاحظه می‌شود که میانگین نمره نگرش به غرب در میان افراد سنین ۲۲-۱۵ سال برابر ۱۴/۴۵ است در حالی که در گروه سنی بالاتر از ۶۵ سال این نمره برابر ۱۶/۶۴ است، یعنی به مقدار تقریباً ۲ نمره بین این دو نسل تفاوت در نگرش به غرب وجود دارد. این شکاف و تفاوت در نگرش میان جوانان و سالخوردگان با اعتماد بیش از ۹۹/۹ درصد به لحاظ آماری معنی دار است. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که "نگرش به غرب و کشورهای غربی با سن رابطه معکوس دارد، هر چه سن بالاتر می‌رود نگرش به غرب منفی‌تر می‌شود". نگرش اشخاص زیر ۳۴ سال از حد متوسط نمره نگرش کل جامعه (۱۴/۸۸) پایین‌تر است یعنی جوانان تا حدی خوش بین‌تر به غرب و ارتباط با غرب هستند.

جدول ۱۱. میانگین نمره نگرش پاسخگویان به غرب به تفکیک گروههای سنی

سطح معنی دار	F	میانگین نمره نگرش به غرب	گروههای سنی
/۰۰۰۰۵	۵/۹۸	۱۴/۴۵	۱۵-۲۴
		۱۴/۶۰	۲۵-۳۴
		۱۵/۸۳	۳۵-۴۴
		۱۵/۱۱	۴۵-۵۴
		۱۵/۷۷	۵۵-۶۴
		۱۶/۶۴	بالاتر از ۶۵
		۱۴/۸۸	کل

۳. نگرش به غرب به تفکیک میزان تحصیلات

یافته‌های جدول ۱۲ نشان می‌دهد که نوع نگرش به غرب با میزان تحصیلات رابطه معنی‌دار آماری دارد، به طوری که نمره نگرش به غرب در میان کسانی که دارای تحصیلات عالی هستند برابر ۱۳/۷ است که زیر متوسط نمره نگرش در کل جامعه است. این نمره حاکی از آن است که اشخاص تحصیل کرده به غرب و ارتباط آن با ایران خوش بین‌تر هستند، در حالی که دارندگان تحصیلات ابتدایی با نمره نگرش ۱۶/۴۷ منفی‌ترین نگرش به غرب را دارا هستند. باید توجه داشت که تحصیل کرده‌های این بررسی در دو گروه سنی جوان قرار می‌گیرند. از این رو می‌توان نتیجه گرفت که جوانان تحصیل کرده خصوصاً گروهی که در غرب تحصیل کرده و یا به صورت گوناگون با غرب در رابطه هستند (به علت حضور یکی از اعضاء خانواده یا فامیل نزدیک در غرب) به غرب نگرش خوش بینانه‌تری نسبت به اشخاص کمتر تحصیل کرده و افرادی که به غرب تعلق ندارند، دارند. شایان توجه است که افراد دیپلمه نیز دارای نگرش منفی کمتری نسبت به غرب می‌باشند، زیرا نمره نگرش آنها ۱۴/۹ است که تقریباً برابر حد متوسط آن در کل جامعه است. تفاوت در نگرش به غرب در گروه‌های تحصیلی به لحاظ آماری در سطح اعتماد بیش از ۹۹/۹ درصد است.

مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

جدول ۱۲. میانگین نمره نگرش پاسخگویان به غرب به تفکیک میزان تحصیلات

سطح معنی‌دار	F	میانگین نمره نگرش به غرب	میزان تحصیلات
۰/۰۰۰۰۵	۱۲/۷۷	۱۶/۲۸	بی سواد
		۱۶/۴۷	ابتدایی
		۱۵/۵۲	راهنمایی
		۱۵/۲۵	متوسطه
		۱۴/۹	دیپلم
		۱۳/۷۳	عالی
		۱۴/۸۸	کل

۴. نگرش به غرب به تفکیک وضعیت اشتغال

وضعیت اشتغال فرد بر نوع نگرش وی به غرب تعیین کننده است. به طوری که یافته‌های جدول ۱۳ نشان می‌دهد، افرادی که به لحاظ وضعیت اشتغال در حال حاضر دانشجوی هستند نسبت به غرب نگرشی کمتر بدبینانه و بیشتر خوش‌بینانه دارند. در حالی که استادان حوزه و دانشگاه، محققان، مؤلفان، کاسبها، خانه‌دارها و کارگران نسبت به غرب نگرش بیشتر بدبینانه و منفی دارند. افراد درگیر مباحث فرهنگی و دینی و کاسبها نسبت به خانه‌دارها و کارگران از نگرش منفی‌تری برخوردارند.

تفاوت در نگرشها بخصوص میان دانشجویان و سایر مشاغل به لحاظ آماری با سطح اعتماد بیش از ۹۹/۹ درصد معنی‌دار است. یافته‌های پیشین تا حدی این تفاوت در نگرش را تأیید می‌کند زیرا:

- ملاحظه شد که زنان نسبت به مردان از نگرش منفی‌تری به غرب برخوردارند. از آنجا که افراد خانه‌دار همگی زن هستند از این رو بالا بودن نمره نگرش آنها (منفی‌تر بودن نگرش آنها) قابل پیش‌بینی است.

- در جدولهای ۱۱ و ۱۲ ملاحظه شد که جوانان و تحصیل کرده‌ها دارای نگرش مثبت‌تری به غرب هستند. (دانشجویان متعلق به همین گروه سنی و تحصیلی هستند) به عبارت دیگر دارای نگرش کمتر منفی به غرب می‌باشند.

- کاسبها و کارگرا اکثراً متعلق به گروههای سنی میانی و سالخوردگی و دارای تحصیلات پایین هستند، از این رو نگرش آنها نسبت به غرب منفی‌تر است.

جدول ۱۳. میانگین نمره نگرش پاسخگویان به غرب به تفکیک وضعیت شغلی

میزان تحصیلات	میانگین نمره نگرش به غرب	F	سطح معنی دار
کارگر	۱۵/۶۰	۶/۴۵	۰/۰۰۰۰۵
کارمند	۱۴/۷۳		
کاسب	۱۵/۳۳		
دانشجو	۱۳/۷۹		
خانه دار	۱۵/۷۴		
بیکار	۱۴/۷۵		
مشاغل مذهبی	۱۵/۹۵		
کل	-		

۵. نگرش به غرب برحسب شهری و روستایی بودن محل سکونت

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که نگرش ساکنان مناطق روستایی به غرب منفی‌تر از ساکنان مناطق شهری است. از طرف دیگر مناطقی که جمعیت آن بالای ۱۰۰ هزار نفر است نسبت به مناطق کم جمعیت‌تر از نگرش منفی‌تری نسبت به غرب برخوردارند. زیرا یکی از مؤلفه‌های اصلی، تنوع نگرش در شهرهای بزرگ در مقایسه با شهرهای کوچک است. از طرف دیگر، در شهرهای کوچک یکسانی نگرش بیشتر قابل رؤیت است.

۶. نگرش به غرب برحسب وضعیت تأهل

یافته‌ها نشان می‌دهد که نگرش متأهلان به غرب تا اندازه‌ای منفی‌تر از نگرش مجردان به غرب است. به طوری که میانگین نمره نگرش منفی به غرب برای متأهلان ۱۵/۴ و برای مجردان ۱۴/۳ است.

نتیجه

تحقیق حاضر با این سؤال اصلی آغاز شد که "چه نگرشی مردم ایران نسبت به غرب دارند؟" پس از بررسی تجربی از کل ایران با حجم نمونه ۱۲۰۰ پرسشنامه به این نتیجه رسیدیم که در مجموع بین مردم همچنان نگرش منفی وجود دارد. ولی میزان نگرش منفی به تناسب جنس، سن، تحصیلات، شغل و محل سکونت متفاوت است.

نتیجه بررسی حاضر، مؤید یافته‌های پیشین است. زیرا اطلاعات برگرفته از ادبیات موجود که معطوف به رابطه ایران و غرب است، نشان دهنده تأثیر گذاری عوامل دیگر همچون پیشینه تاریخی، وجود اقتصاد مبتنی بر نفت، و تقدم روابط اقتصادی بر روابط فرهنگی به عنوان پیش زمینه‌ای در نگرش منفی ایرانیان نسبت به غرب می‌باشد.

به نظر می‌آید، در این عرصه به لحاظ مشکلات بسیار در ایجاد بدفهمی فرهنگی، نوعی عدم تفاهم فرهنگی وجود دارد. برای رفع این نقیصه می‌بایستی اساس روابط بین ایران و غرب از سطح اقتصادی و سیاسی به سطح فرهنگی، با تمایل دو طرف، تغییر داده شود تا امکان مبادلات و گفتگوهای فکری و علمی فراهم گردد.

مآخذ

- آزاد ارمکی، تقی (۱۳۷۵)، *نظریه‌های جامعه‌شناسی*، انتشارات سروش، تهران.
- آزاد ارمکی، تقی (۱۳۷۶)، "تبادل و تقابل فرهنگی در عصر مابهاره"، کتاب سروش: مجموعه مقالات رسانه‌ها و فرهنگ، انتشارات سروش، تهران.
- آشوری، داریوش (۱۳۷۶)، *ما و مدرنیت*، مؤسسه فرهنگی صراط، چاپ اول.
- بشیریه، حسین (۱۳۷۶)، *تاریخ اندیشه‌های سیاسی قرن بیستم: اندیشه‌های مارکسیستی*، نشرنی، چاپ اول، تهران.
- خاتمی، سیدمحمد (۱۳۷۷)، "خطابه رئیس جمهوری در پارلمان ایتالیا"، *اطلاعات*.
- ریتزر، جورج (۱۳۷۴)، *نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر*، ترجمه محسن ثلاثی، چاپ اول، انتشارات علمی، تهران.
- ساروخانی، باقر (۱۳۷۵)، *دایرةالمعارف علوم اجتماعی*، سازمان انتشارات کیهان.
- فروم، اریک (۱۳۷۰)، *آیا انسان پیروز خواهد شد؟*، ترجمه عزت الله فولادوند، انتشارات مروارید.
- ویر، ماکس (۱۳۷۴)، *اقتصاد و جامعه*، ترجمه عباس منوچهری و همکاران، انتشارات رسولی.
- همتی، عبدالناصر (۱۳۷۵)، *اقتصاد ایران*، انتشارات سروش، تهران.